



مژگان بیات در گفت و گویا «صبا»:

«جانان»

را خیلی خوب درک کردم

دلرام صادقی

گفت و گو

مژگان بیات؛ بازیگر سینما، تاپستان امسال دو فیلم «جانان» و «صدای مرا می شنوید» را در اکران دارد، به تازگی کارگردانی را آغاز کرده و اولین فیلم سینمایی بلند او در جشنواره کودک و نوجوان اصفهان پرنسده بهترین فیلم و کارگردانی شد. در گفت و گویی که با مژگان بیات انجام دادیم او از بازی در «جانان» و دغدغه خود گفت که در ادامه می خوانید.

بودند و اصلا از جنس یک سری بازیگرهایی که فقط به دنبال قیافه اند، نیستند. من دومین کاری بودم که با همین حیایی بازی می کردم و او نسبت به آدم های همردیف خودش خیلی همراه بود. برای من کار کردن با این دو نفر نعمتی بود و همیشه برای روزهایی که با آنها بودم ارزش قائل هستم.

سینمای امروز ایران از پرداختن به فیلم هایی مانند «جانان» دور شده و به سمت فیلم هایی اجتماعی و تلخ رفته است. فکر می کنید اکنون سینما به فیلم هایی مانند «جانان» نیاز دارد؟ حمایت از سینمای مستقل و فیلم هایی مانند «جانان» خیلی باید زیاد باشد. متاسفانه مردم خودمان کم لطف هستند. وقتی فیلمی این گونه ساخته می شود و کسی از آن استقبال نمی کند، تهیه کننده های که پول خود را به زحمت در آورده و هزینه کرده مگر چند فیلم دیگر می تواند بسازد و باز خوردش را نبیند، کسی حمایتش نکند. این حمایت را از مردم تا سینما داراها کسانی که برای اکران تصمیم می گیرند، تشکیل می دهند. وقتی که چیدمان این گونه است و اولویت فیلم های سیاه، عناوین بزرگ و تهیه کننده هایی که نفوذ بیشتری دارند و... همه چیز دست به دست هم می دهد که این طیف فیلم ها کم می شود. مردم نیز خودشان ضرر می کنند. درست است که وظیفه و فرهنگ سازی سینما این است که از مشکلات جامعه حرف بزند اما چقدر؟ سه یا چهار فیلم ساز از دغدغه حرف بزنند، بالاخره یکی هم باید بیاید و حال خوب به مردم تزریق کند، امید بدهد و نوید بدهد که بعد از همه تلخی ها یک امید هم هست، اما متاسفانه حمایت نمی شوند و فیلم ساز وقتی می بیند کسی استقبال نمی کند دیگر ترغیب به ساختن نمی شود.

«جانان» در شیراز فیلمبرداری شد و تعداد لوکیشن نیز داشت، این شرایط باعث ایجاد مشقت برای بازیگران نمی شد؟

فیلم هایی که معمولا لوکیشن های زیادی دارند خیلی سخت هستند. کار کردن در شهرستان در عین راحتی، سختی هایی نیز دارد. ما در شیراز مشکل خاصی نداشتیم و همه چیز هم لگت و خوب بود. لوکیشن ها از همدیگر فاصله داشتند و بین هر کدام یک ساعت راه بود اما آن قدر حال و هوای این فیلم، آدم های جلو و پشت دوربین فضای صمیمی خوبی داشتند که کسی به سختی کار فکر نمی کرد و همه دلمان می خواست نتیجه کار خوب شود. از نظر خودم انرژی خوبی که همه آدم ها داشتند در فیلم هم آمده است. عده ای ممکن است که باتوجه به سلیقه شان از فیلم خوششان نیاید اما به دلیل لوکیشن ها، اتفاقات و فضای فیلم و... کسی با حال بد از سینما بیرون نمی آید. کار متفاوتی بود و خیلی بهتر از این است که در تهران، داخل یک خانه با رنگ ها سیاه فیلمبرداری کنیم و اسمش را فیلم بگذاریم.

استقبال از «جانان» از زمان اکران تاکنون چطور بوده است؟ استقبال از «جانان» مانند فیلم های دیگر روی پرده خوب نبوده است. دلیل اکت مخاطب در این فصل را نمی دانم در صورتی که فصل بدی هم برای اکران نبود. مردم دیگر بضاعت مالی برای رفتن به سینما ندارند و یا مردم را به فیلم های کمیدی یا اسمش را هر چه که می خواهند بگذارند، عادت داده اند. هیچ وقت به این فیلم ها سخیف نمی گویم چون عده ای برای آن فیلم زحمت کشیده اند، فکر و ایده داشتند اما انگار مردم فقط به خاطر غمی که در کشور است دلشان می خواهد دو ساعت در سینما بختند.

نکته آخر؟

دلیم می خواهد به مردم بگویم که از سینمای مستقل حمایت کنند چون اگر بخش خصوصی سینما شکست بخورد، مردم و سینما ضرر می کنند، چون مجبور به تماشای فیلم های سفارشی می شوند که شاید دغدغه مردم نباشد. مردم باید از سینمای مستقل حمایت کنند تا آنها بتوانند این راه را ادامه دهند.

در ابتدا از انتخاب نقش «جانان» و همکاری با کلمران قدکچیان برای ما بگویند.

«جانان» دوازدهمین کار سینمایی من بود. همسر من تهیه کننده این کار هستند، زمانی که قرار شد آقای قدکچیان کار را بسازند باهم صحبت کردیم، ایشان خیلی تمایل داشتند و من هم خیلی نقش را دوست داشتم و قرار به بازی من در این فیلم شد. آقای قدکچیان از نظر اخلاق و حرفه ای بودن یکی از بهترین کارگردانان هستند و فکر می کنم «جانان» از نظر نقش و حضور آقای قدکچیان یکی از بهترین کارهای کارنامه من است. در کل فیلم را خیلی دوست دارم.

«جانان» به موضوعات قابل توجهی مانند وفاداری، شعر، احساس مسئولیت و عشق می پردازد که این روزها در سینما کم رنگ شده است. برای ارتباط برقرار کردن با «جانان» و نشان دادن این عناصر، با چه چالش هایی روبه رو بودید؟ همیشه نقش هایی را که دوستشان دارم و با کاراکتر ارتباط برقرار می کنم را برای بازی انتخاب می کنم. مقوله عشق و انسانیت دغدغه من است و پیوسته به آن فکر می کنم. سعی می کنم تا جایی که می توانم با بهترین روش ممکن به آدم های اطراف، مهربانی کنم. با کاراکتر «جانان» غریبه نبودم. آدم های اطرافم می دانند که همیشه مسئله مهربانی و عشق دادن به آدم ها در اولویت زندگی ام هست برای همین «جانان» را خیلی خوب درک کردم، می شناختمش و سختی زیادی برای بازی نقش پیدا نکردم. با توجه به انسان های امروزی فکر می کنم تا حدی توانستم این آدم را بلور پذیر کنم. روزگار ما مثل یک کشتی می ملد که در حال غرق شدن است و همه آدم ها فقط به فکر نجات دادن خودشان هستند و به افراد دیگر اهمیتی نمی دهند. محبت کردن «جانان» در این فیلم شاید برای افرادی غیر عادی باشد که چرا یک دختر به آدم های غریبه کمک می کند و کنارشان می ملد اما به عقیده من این انسانیت هنوز در خیلی از انسان ها وجود دارد و باید داریم گوش زد شود تا مردم وفاداری، عشق و... فراموش نکنند و این مقوله را دوست داشته باشند.

سال های اخیر در بازیگری کم کار شده اید، دلیل آن حساسیت شما نسبت به نقش هاست؟ برای انتخاب یک نقش چه معیارهایی دارید؟

بله؛ دو سه سالی است که بیشتر به مقوله کارگردانی پرداخته ام و کمی از بازیگری فاصله داشتم. به چند دلیل؛ اولاً کار کردن در سینمای ایران به عنوان یک بازیگر و انتخاب برای نقش ها خیلی سخت است چون فیلم نامه های ما بیشتر برای مردهاست و برای خانم ها نقش های خوب کم است و اگر هم چند نقش خوب باشد همه فیلم سازان خودشان آشنا دارند، چهره می خواهند و این نقش ها به بازیگرهای دیگر نمی رسد. من هم ترجیح می دهم بازی نکنم تا بتوانم نقشی را که دوست دارم بازی کنم. معمولا مثل خیلی از بازیگرها دغدغه پول ندارم. بیشتر دغدغه من کار خوب است. باید نقشی را که در مدت فیلمبرداری زندگی می کنم را دوستش داشته باشم ترجیح می دهم در خانه بمانم اما چیزی که دوست ندارم را بازی نکنم.

به کارگردانی اشاره کردید. تاکنون چه کارهایی را ساخته اید؟ من سه فیلم کوتاه ساختم که یکی از آنها در جشنواره ایتنتر فیلم برلین جزو هشت فیلم اول شد. اولین فیلم بلندم در جشنواره کودک در بخش مسابقه به نام «فرزند زمین» بود.

«جانان» چند نسل بازیگر متفاوت مانند پروانه معصومی و امین حیایی دارد. تجربه کار با این چیدمان بازیگران از چند نسل، چطور بوده است؟

خیلی لذت بخش بود. خانم معصومی را از لحاظ اخلاق حرفه ای و خوب بودن می پرستم. به من گفته بودند خانم معصومی بد اخلاق است و من با یک اضطرابی سر صحنه رفتم اما از روز اولی که با این خانم بودم تا روز آخر که از هم جدا شدیم گریه کردیم. آن قدر این خانم خوب و حرفه ای